در تاریخ ۰۶ آبان ۱۴۰۳
مواسعه و مضایقه

جلسه 20

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمْ
الْحَمْدُ لله رَبِّ الْعَالَمِينْ وَصَلَى الله عَلَىٰ سَيِّدَنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينْ

تقریر سوم از اصاله البرائه در اثبات مواسعه

تقریر مرحوم صاحب جواهر

صاحب جواهر به صورت مفصل به بیان این تقریر از اصل نپرداخته است و در یک سطر کوتاه می‌فرماید: اگر کسی در اثناء نماز حاضره یادش آمد یک نماز قضایی بر ذمه‌اش هست شک در وجوب عدول از این حاضره به فائته می کند که اصل عدم وجوب العدول در مقام جاری می شود، لذا باید نماز حاضره را تمام کند و بعً مشغول فائته شود، همچنین عدم وجوب العدول ملازم با عدم فوریت و توسعه است، صاحب جواهر صرفا همین مطلب را مطرح می‌کند و ظاهر کلام ایشان این است که آن را می‌پذیرد.

فلا ريب أن الأشبه الأول للأصل بمعنى استصحاب عدم وجوب العدول عليه لو كان الذكر في الأثناء الذي هو من لوازم التضييق كما عرفت، و جواز فعلها قبل التذكر [1]

تقریر مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ اعظم انصاری اعلی الله مقامه می‌فرماید دو احتمال نسبت به مراد از اصالة عدم وجوب العدول وجود دارد و به بیان هر یک از این دو احتمال و اشکالات مطرح شده نسبت به هر یک از دو احتمال می پردازد.

احتمال اول: برائت از تکلیف به عدل

یک احتمال این است که اصل برائت از تکلیف به عدول جاری شود، یعنی مکلف در اثناء نماز حاضره شک می‌کند که آیا مکلف به عدول است یا نه؟ اصل، برائت از عدول است.

الثالث من وجوه تقرير الأصل: أصالة عدم وجوب العدول من الحاضرة إلى الفائتة.[2]

مرحوم شیخ سپس اشکالاتی به جریان اصاله عدم وجوب العدول در مانحن فیه می کند که به بیان آنها می پردازیم.

اشکال اول: عدم جریان اصاله البرائه در شک در مکلف به

مرحوم شیخ اشکال می‌کند می‌گوید اصالة البرائه جایی است که شک در تکلیف باشد در حالی که در ما نحن فیه مکلف در اینکه این نماز را باید اتمام کند شک ندارد، منتهی نمی‌داند این نماز را به نیّة الحاضرة تمام کند یا به نیّة الفائتة، لذا صحیح این است که ما نحن فیه از قبیل شک در مکلف به است، وقتی شک در مکلف به شد دیگر مجرایی برای برائت نیست.

و فيه: أنّه إن أريد أصالة البراءة عن التكليف بالعدول، فلا ريب في أنّ الشك في المكلّف به، لأنّ إتمام الصلاة واجب و إمّا بنيّة الحاضرة أو بنيّة الفائتة،[3]

اشکال دوم: دوران بین تعیین و تخییر در مقام

اشکال دوم اینکه می‌فرماید اینجا از قبیل دوران بین تعیین و تخییر است، زیرا یقین و اجماع داریم که اگر این نماز را به نیّة الفائتة برگرداند مسلما مجزی است، همه این را قبول دارند که اگر در اثناء نماز حاضره مکلف یادش آمد که نماز قضا بر ذمه اش می‌تواند وجوبا یا استحبابا نیّت را به فائته برگرداند، پس در نتیجه اینجا ما نمی‌دانیم آیا مخیّر بین فائته و حاضره است یا عدول به فائته بر او متعیّن است ؟ لذا مساله از باب دوران دوران بین تعیین و تخییر است و در این دوران احتیاط اقتضای تعیین دارد و دیگر مجالی برای جریان برائت نیست.

مع أنّ إتمامها بنیّة الفائتة مجمع علی جوازه، بل رجحانه إمّا وجوبا و إمّا استحبابا، فالأمر مردّد بین تعیین إتمامها بهذه النیّة، و بین التخییر بینه و بین إتمامها بنیّة الحاضرة، فمقتضی وجوب تحصیل الیقین بالبراءة، نقل النیّة إلی الفائتة.[4]

احتمال دوم: استصحاب عدم وجوب عدول

در نتیجه مرحوم شیخ در احتمال اول مراد از اصاله البرائه در اینجا را اصاله البرائه عن التکلیف بالعدول می داند و دو اشکال به آن وارد می کند، سپس احتمال دوم در این اصل را مطرح می کنند، و آن استصحاب عدم وجوب عدول است، با این توضیح که قبل التذکر عدول واجب نبوده، الآن نماز حاضره را که شروع کرده قبل از اینکه یادش بیاید یک نماز قضایی دارد عدول واجب نبوده، الآن که یادش آمد نماز قضا دارد استصحاب عدم وجوب عدول جاری می شود که در نتیجه از این استصحاب، قول به مواسعه ثابت می شود.

مرحوم شیخ به این احتمال نیز اشکال وارد می کند که بیان آن می پردازیم:

اشکال : عدم جریان استصحاب در احکام عقلیه

شیخ می‌فرماید اینجا جای استصحاب نیست برای اینکه در اصول ثابت کردیم استصحاب در احکام عقلیه جریان ندارد، و ما نحن فیه از این قبیل است زیرا معیار عدم وجوب فائته نسیان است و نسیان عذر است،لذا تا زمانی که عذر هست حکم هم هست و وقتی عذر برطرف می‌شود حکم دوباره می‌آید. عبارت مرحوم شیخ به این صورت است:

و إن أرید استصحاب عدم وجوب العدول قبل التذکّر. ففیه: أنّه کان معذورا عقلا لأجل النسیان، و قد زال العذر. و الحکم المنوط بالأعذار العقلیّة ـ کالعجز و النسیان، و نحوهما ـ لا یجوز استصحابه بعد رفع العذر.[5]

در رسائل در بحث استصحاب در احکام عقلیه یکی از عبارات بسیار دقیق رسائل در همین بحث استصحاب در احکام عقلیه است، در آنجا علما اصول می‌گویند در احکام عقلیه حکم عقل، دائر مدار وجود و عدم مناط و ملاکش هست، اگر ملاک باشد حکم است و اگر نباشد حکم نیست، لذا شک در احکام عقلیه معنا ندارد. در این مساله نیز این مطلب صادق است زیرا نسیان عقلاً موجب زوال حکم است، وقتی نسیان رفت و تذکر آمد حکم دوباره می آید، لذا مجالی برای استصحاب نیست.

پاسخ به شکال: عدم انحصار علت عدم وجوب عدول در نسیان

مرحوم شیخ در ادامه به این اشکال خود پاسخ داده و سپس آن را رد می کند، وی در پاسخ به اشکال می فرماید: ما می‌دانیم در زمان نسیان عدول واجب نیست یعنی وقتی نمازش را شروع کرد قبل التذکر یعنی زمان نسیان، اگر بگویند عدول واجب است یا نه؟ می‌گویئم نه عدول واجب نیست. اما انحصار علت عدم وجوب عدول در نسیان ثابت شده نیست زیرا می تواند یک امر شرعی دخیل در عدم وجوب عدول باشد که در نتیجه با این پاسخ استصحاب قابل جریان است.

فإن قلت: إنّ المعلوم عدم وجوب العدول حال النسیان، و أمّا کونه لأجل النسیان فغیر معلوم.

قلت: لا ريب أنّ النسيان علّة مستقلّة لعدم وجوب العدول، فإذا شكّ في كون عدم الوجوب السابق مستندا إلى هذه العلّة أو إلى علّة أخرى، و هي مشروعيّة فعل الحاضرة مع اشتغال الذمّة بالفريضة الفائتة، فمقتضى الأصل عدم مشروعيّتها حينئذ.[6]

رد پاسخ: اثبات انحصار علت عدم وجوب عدول در نسیان

مرحوم شیخ در پاسخ می گوید: در اینکه عدم وجوب عدول آیا به غیر از نسیان به امر دیگری استناد دارد یا خیراحتمالات را بررسی می کنیم و ممکن است بگوئیم مشروعیة فعل الحاضرة مع اشتغال الذمة بالفریضة الفائتة، احتمال برای عدم وجوب عدول باشد، یعنی بگوئیم اگر کسی مشغول به حاضره شده ولو ذمه‌اش به فائته مشغول باشد شک می کنیم که آیا این فعل حاضره مشروعیت دارد یا خیر؟لذا شک داریم که آیا حاضره ولو مع اشتغال الذمه بالفائته مشروعٌ أم لا؟ در پاسخ به این شک، اصل عدم مشروعیت جاری می شود، در نتیجه علت منحصر به همان نسیان می‌شود و همان بحث استصحاب در احکام عقلیه می‌شود.

این خلاصه کلام شیخ که اصل عدم وجوب العدول را فرمود اگر برائت است دو اشکال دارد و اگر استصحاب است همین اشکالی که الآن عرض کردیم وجود دارد.

نقد کلام مرحوم شیخ توسط حضرت استاد

چند مطلب نسبت به اشکالات مرحوم شیخ به این دو احتمال از اصاله البرائه وجود دارد که بیان این مطالب می پردازیم:

مطلب اول: جواب نقضی استاد به اشکال اول به احتمال اول

اولین اشکالی که شیخ در برائت کرد فرمود اینجا از قبیل شک در مکلف به است، بیانی که شیخ داشت این است که اتمام این نماز واجب است اما نمی‌دانیم بنیة الحاضرة واجب است یا بنیة الفائته لذا مورد از باب شک در مکلف به می شود، ما به شیخ عرض می‌کنیم همین بیان در خود فوریت هم می‌آید، می‌گوئیم در خود فوریت اصل امتثال و اتیان نماز واجب است و نمی‌دانیم آیا با فوریت یا بدون فوریت، چرا آنجا را نمی‌گوئید شک در مکلف به است؟

به عبارت دیگر مرحوم شیخ می‌فرماید در جایی که کسی نماز را شروع کرده یک حکمی هست به نام وجوب الاتمام منتهی نمی‌دانیم این وجوب الاتمام بنیة الحاضرة است یا بنیة الفائتة، این می‌شود شک در مکلف به و در این شک برائت جاری نیست. اشکال ما این است که چرا این مطلب را در فوریت نمی‌آورید؟ می‌گوییم در فوریت یک وجوب القضایی دارید که نمی‌دانید شارع این وجوب را به نحو فوری قرار داده یا به نحو غیر فوری؟ چرا اینجا نمی‌گوئید شک در مکلف به است؟

مطلب دوم:جریان دوران بین تعیین و تخییر در فوریت و عدم فوریت

مرحوم شیخ در اشکال دوم فرمود در این مساله یقین داریم که اگر عدول به فائته کند مجزی است و شک از این جهت است که اگر به نیت حاضره تمام کند آیا مجزی هست یا نه، لذا مساله از باب دوران بین تعیین و تخییر است، اشکال ما این است که همین بیان در فوریت و عدم فوریت هم می آید، در فوریت هم بگوئید اگر فوری بیاورد مسلم مجزی است اما نمی‌دانیم مخیّر بین اول زمان یا زمان دوم است آنجا هم قائل به تعیین بشویم، فرق بین این دو مساله در چیست؟ بالأخره یک کسی مثل مرحوم شیخ از اصالة البرائه عن التعجیل فاصله‌ای هم نگرفته است، چرا این دو مطلبی که اینجا مرحوم شیخ بیان کرده در مسئله فوریت جریان ندارد؟

مطلب سوم: جریان استصحاب بقاء مشروعیت در مقام

مرحوم شیخ در پاسخ به اشکالش به احتمال دوم فرمود اگر کسی مشغول به حاضره شده ولو ذمه‌اش به فائته مشغول باشد شک می کنیم که آیا این فعل حاضره مشروعیت دارد یا خیر؟ اصل عدم مشروعیت فعل حاضره است. اشکال این است که بحث ما در اصل مشروعیت نیست در بقاء مشروعیت است می‌گوئیم این کسی که حاضره را شروع کرد هنوز در ذهنش نیامده که نماز

فائته بر ذمه‌اش هست این کسی که حاضره را شروع کرد الآن یادش افتاد که یک فائته‌ای بر عهده او هست چون یقیناً همه می‌گویند اگر بعد از نماز یادش افتاد این نماز حاضره‌اش صحیح است اما اگر در اثناءیادش افتاد ما در بقاء مشروعیت شک می کنیم نه در اصل مشروعیت.

به عبارتی دیگر نمی‌دانیم این حاضره با وجود و عروض تذکر در اثناء مشروعیتش باقی است یا نه؟ استصحاب بقاء مشروعیت حاضره کنیم، بله قبل از شروع الحاضرة اگر چنین شکی کنید و بگوئید اگر کسی فائته‌ای بر ذمه‌اش باشد آیا حاضره مشروعیت دارد یا نه؟ می‌گوییم اصل عدم مشروعیت است، اما وقتی شروع کرد تا زمانی که نسیان ادامه دارد یقین به مشروعیت حاضره داریم، وقتی نسیان بر طرف شد شک می‌کنیم که آیا مشروعیت باقی است یا نه؟ لذا شک ما در بقاء مشروعیت است نه در اصل مشروعیت، و می توانیم استصحاب بقای مشروعیت کنیم، با استصحاب بقای مشروعیت می‌گوئیم بنیة الحاضرة تا آخر ادامه بده و نمازت را تمام کن.

وَ صَلَّى الله عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينْ

پاورقی

[1] صاحب جواهر محمدحسن بن باقر. جواهر الكلام (ط. القديمة). ج 13، دار إحياء التراث العربي، ص 43.

[2] انصاری مرتضی بن محمدامین. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في المواسعة و المضايقة). مجمع الفكر الإسلامي، 1414، ص 286.

[3] انصاری مرتضی بن محمدامین. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في المواسعة و المضايقة). مجمع الفكر الإسلامي، 1414، ص 286.

[4] همان.

[5] انصاری مرتضی بن محمدامین. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في المواسعة و المضايقة). مجمع الفكر الإسلامي، 1414، ص 286.

[6] انصاری مرتضی بن محمدامین. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في المواسعة و المضايقة). مجمع الفكر الإسلامي، 1414، ص 286.